

ساختمان فعل

در عبارت زیر به فعل هر جمله توجه کنید :

۱) علی هر روز یک ساعت کتاب می خواند.

۲) علی کتاب های زیادی درباره ادبیات خوانده است.

۳) علی کتاب را از قفسه برمی دارد.

۴) علی هر روز میزان پیشرفتش را به خانواده اطلاع می دهد.

۵) اما یک روز نتوانست از کارهایش اطلاعی به خانواده اش بدهد...

فعل جمله های بالا را از نظر ساختمان می توان به سه نوع تقسیم کرد :

۱) فعل های می خواند، خوانده است، نتوانست و بدهد **ساده اند** زیرا بن مضارع

هر یک از آنها یک تکواژ است.

۲) فعل «برمی دارد» **پیشوندی** است زیرا قبل از بن مضارع «دار» وند «بر»، افزوده

شده است.

۳) فعل «اطلاع می دهد» **مرکب** است؛ زیرا نه تنها از دو جزء معنادار تشکیل شده است

بلکه قبل از فعل ساده «می دهد» «اطلاع»، که یک جزء غیر صرفی است، قرار گرفته است.

پس فعل از نظر اجزای تشکیل دهنده بر سه نوع است : ساده، پیشوندی و مرکب.

فعل ساده

فعل ساده آن است که بن مضارع آن یک جزء (تکواژ) باشد؛ مثل :

فعل ساده	آمده بود	رفت	می پرسیدم	می شنید	نشسته بود	خواندند	خواهیده است
	↓	↓	↓	↓	↓	↓	↓
بن مضارع	آ	رو	پرس	شنو	نشین	خوان	خواب

فعل پیشوندی

اگر به اول فعل های ساده «وند» افزوده شود، این فعل ها به فعل پیشوندی تبدیل می شوند :

آمد	گشت	غلتید	آورد	فعل ساده
↓	↓	↓	↓	
آمد } باز } بر } در }	گشت } بر } گشت } باز }	غلتید } در } غلتید } فرو }	آورد } بر } آورد } باز }	فعل پیشوندی

فعل مرکب

اگر پیش از فعل ساده یا پیشوندی یک یا چند تکواژ مستقل بیاید و با آن ترکیب شود کلمه حاصل، فعل مرکب است مثل فعل جمله های زیر :

- (۱) او از خواسته هایش چشم پوشید.
 - (۲) من به کارهای او ایمان آوردم.
 - (۳) علی پدرش را خیلی دوست دارد.
 - (۴) همه بچه ها را در این جشن شرکت دادند.
 - (۵) دیروز حادثه وحشتناکی روی داد.
 - (۶) حسن تعدادی کتاب از دوستش قرض گرفت.
 - (۷) علی کتاب داستان را مطالعه کرد.
- * راه های تشخیص فعل مرکب :

(۱) فعل در صورتی مرکب است که جزء غیر صرفی، نقش مفعولی یا مسندی یا قیدی یا متممی نداشته باشد. مثلاً فعل های جمله های زیر مرکب نیستند :

□ علی دوستی دارد.

□ حسن درباره این موضوع مطالعه می کند. (می کند در معنای انجام می دهد)

مفعول

□ او دربارهٔ علاقهٔ مردم به ادبیات تحقیق کرد (کرد در معنای انجام داد).
 □ دیروز محسن هنگام بازی زمین خورد. ← (در اصل به زمین خورد که حرف اضافهٔ مفعول متمم حذف شده است.)

□ من او را از این موضوع آگاه کردم (در اصل: او آگاه شد/ بود/ است/ گشت/ گردید).
 □ کودک از پله‌ها بالا می‌آید.
 قید

۲) وقتی که جزء غیر صرفی یکی از نقش‌های مفعولی، مسندی، قیدی و متممی را داشته باشد، در واقع یک گروه اسمی به شمار می‌رود که می‌توان پس از آن وابسته‌هایی را اضافه کرد یعنی این اجزا را می‌توان گسترش داد:

□ علی دوستان زیادی دارد.
 مفعول علامت صفت جمع

□ حسن دربارهٔ این موضوع مطالعه ای نکرده است.
 مفعول نکره

□ او دربارهٔ علاقهٔ مردم به ادبیات تحقیق ها کرد.
 مفعول جمع

□ من او را از این موضوع آگاه‌تر کردم.
 مسند

□ هنگام مد، آب دریا بالاتر می‌آید.
 قید

در حالی که اگر فعل جمله‌های ۱ تا ۷ را بررسی کنید قابل گسترش نیستند: (چشم پوشید، ایمان آورد، دوست دارد، شرکت دادند، روی داد، قرض گرفت و مطالعه کرد)

۳) بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که تعیین ساختمان فعل، زمانی میسر است که در جمله به کار برده شود. مثل «قرض گرفت» که به تنهایی ساده است زیرا می‌توان گفت قرض‌ها گرفت اما در جملهٔ ۶ حتماً فعل مرکب است یا مطالعه کرد که در جملهٔ ۷ حتماً مرکب است.

باید توجه داشت که هیچ‌گاه فعل ساده یا مرکب را خارج از جمله بررسی و مشخص

نمی‌کنیم.

❖ نوع دیگری از فعل‌های مرکب، عبارت‌های کنایی هستند. در این گونه فعل تمامی اجزا روی هم یک مفهوم فعلی واحد دارد.

□ او از خواسته‌هایش چشم پوشید. (کنایه از صرف نظر کردن)

□ او هیچ‌وقت دست از پا خطا نمی‌کند. (دست از پا خطا کردن کنایه از اشتباه کردن)

□ علی از انجام این کار سر باز زد. (سر باز زدن از کاری کنایه از نپذیرفتن است)

در این نوع فعل‌ها (کنایی) اجزای فعل (چشم، دست، پا، سر و ...) معنای حقیقی

خود را از دست داده‌اند. در این صورت با ملاک‌های تشخیص فعل مرکب آنها را می‌توان

فعل مرکب دانست.

فعل‌های کمکی (معین)

برای ساختن فعل‌های ماضی بعید، ماضی التزامی، ماضی نقلی، ماضی مستمر،

مضارع مستمر، آینده و همه فعل‌های مجهول، از فعل‌های خاصی استفاده می‌شود که آنها

را فعل‌های کمکی می‌خوانیم. فعل‌های مشخص شده زیر، کمکی هستند:

رفته بودی، گفته باشد، نشسته است، داشت می‌رفت، دارد می‌آید، خواهند آمد،

نوشته شد، گفته شده باشد.

❖ فعل‌های کمکی و وندهای **نَ، می، بَ،** از نظر ساختمان، در فعل تغییری نمی‌دهند؛

چون در همه فعل‌های ساده، مرکب و پیشوندی می‌آیند.

نَ: نرفت، نشناخت.

می: می‌گوید، می‌رفت.

بَ: برو، بنشینید.

بنابراین، اگر فعل ساده‌ای این وندها و فعل‌های کمکی را بگیرد، باز هم ساده

است.

منفی کردن فعل ها

در فارسی امروز، هر فعلی را می توان با آوردن تکواژ منفی ساز «ن» منفی کرد. تلفظ این تکواژ «نَ» است اما اگر پیش از «می» بیاید، «نِ» تلفظ می شود. این تکواژ همیشه پیش از فعل اصلی می آید اما در فعل های آینده و مجهول پیش از فعل معین قرار می گیرد:

نگفتم، نگفته ام، نگفته بودم، نگفته باشد، نمی گفتند/ نخواهم گفت، گفته نشد.

هنگام پیوستن تکواژ «ن» به فعل، اگر تکواژ «ب» همراه فعل باشد، حذف می شود:

برو ← نرو، بیایند ← نیایند، بگوئیم ← نگوییم.

زمان های مستمر (ملموس) صورت منفی ندارند و برای منفی کردن آنها از معادل های غیرمستمر استفاده می شود:

بهرام دارد نامه می نویسد (مضارع مستمر) بهرام نامه نمی نویسد (مضارع اخباری)
بهرام داشت نامه می نوشت (ماضی مستمر) بهرام نامه نمی نوشت (ماضی استمراری)
تکواژ «ن» در فعل های پیشوندی همیشه پس از پیشوند می آید:

خورشید هنوز برنیامده بود. لاک پشت سر از آب درنیامد. ماهی هنوز لقمه اول را درست فرو نبرده بود.

تکواژ منفی ساز «ن» در فعل های مرکب، پیش از جزء صرفی می آید:

نگاه نداشت. دوست نداشت. فرود نیامد. سردر نیامد.

بن فعل

سال پیش آموختیم که هر فعل دو بن دارد: بن مضارع و بن ماضی

بن مضارع فعل های ساده = فعل امر مفرد بدون «ب»: **رو، بین، نشین**

بن مضارع فعل های پیشوندی = فعل امر مفرد: **برگرد، بازگرد، برآ**

بن مضارع فعل های مرکب = فعل امر مفرد بدون «ب»: **یاد بده (= یاد ده)، گوش کن**

برای شناخت ساختمان هر فعل، بن مضارع آن فعل را در نظر می گیریم.

فعل	بن مضارع	ساختمان	فعل	بن مضارع	ساختمان
رفته بود	رو	ساده	بازگشته بودند	بازگرد	پیشوندی
می گذشتند	گذر	ساده	داشتند بر می گشتند	برگرد	پیشوندی
داریم می نویسیم	نویس	ساده	بر نمی آمد	برآ	پیشوندی
گفته شده بود	گو	ساده	بازآمده اند	بازآ	پیشوندی

بن ماضی نیز چنین به دست می آید :

مصدر بدون « ن » پایانی دید « ن »، باور کرد « ن »، دوید « ن »، برداشت « ن »، دوست

داشت « ن »

بیاموزیم

به چند جمله زیر توجه کنید:

۱) بیاید سوابق گذشته را فراموش کنیم.

۲) حسن خوبی سعید انضباط اوست.

۳) آخرین مسابقه فینال را دیدم.

در جمله اول، «سوابق» جمع سابقه به معنی «گذشته» است. پس این جمله

در حقیقت این گونه است:

«بیاید گذشته های گذشته را فراموش کنیم!» در این جمله کاربرد یکی از دو

کلمه «سوابق» و «گذشته» کافی است:

«بیاید گذشته را فراموش کنیم.»

«حُن» یعنی نیکی و خوبی؛ پس، در جمله دوم به کار بردن کلمه «خوب» به دنبال حُن زاید است.

«فینال» در انگلیسی یعنی پایانی و نهایی؛ بنابراین، به کار بردن کلمه فینال پس از «آخرین» در جمله سوم نادرست است. به کلمه‌هایی که در جمله‌های قبل، زیر آنها خط کشیده شده است «شو» می‌گویید. «شو» یعنی تکرار زاید.

اکنون به نمونه‌های دیگر «شو» توجه کنید و مراقب باشید آنها را به کار نبرید: سیر گردش کار، سایر شهرهای دیگر، من بعد از این، مدخل ورودی، درخت تاک انگور، اوج قلعه کوه، تخم مرغ کبوتر، در سن بیست سالگی، پس بنابراین، سنگ حجرالاسود، پارسال گذشته، سال عام الفیل، سؤال پرسیدن، شب لیلۃ القدر، بدر کامل ماه، از قبل پیش خرید کردن، تخت و ایت برد.

خودآزمایی

۱) در متن زیر نوع فعل‌ها را از نظر ساختمان بررسی کنید.

کودکی خردسال می‌خواست بوته ذرتی را از زمین برآورد اما نمی‌توانست و هر چه می‌کوشید آن بوته برجای خود استوار بود. با کوشش فراوان بوته ذرت را از زمین کند و با شادمانی بسیار پدرش را از حاصل کوشش خود آگاه

کرد. پدرش گفت: «آری، فراموش مکن تو هم مردی شده‌ای و نیرویی داری» آن طفل خردسال با غرور در پاسخ پدر گفت: «آری؛ همه زمین یک سر بونه را گرفته بود و من سوی دیگرش را تا سرانجام من غالب شدم.» این تصویر ذهنی کودک، بیان شاعرانه زیبایی است که حاصل بیداری آن طفل نسبت به گوشه‌ای از ارتباط‌های انسان و طبیعت است.

۲) نهاد جمله‌های زیر را مفعول قرار دهید.

مثال: کودک از خواب بیدار شد.

مادر کودک را از خواب بیدار کرد.

□ جوانان از زیان‌های خانمان سوز اعتیاد آگاه هستند.

□ چراغ دانش همیشه فروزان است.

□ همه جا روشن است.

□ غذا زود حاضر شد.

۳) هر یک از ساخت‌های زیر را در جمله‌ای به کار ببرید و ساده و مرکب بودن آنها را در آن جمله نشان دهید.

رنج برد، زحمت کشید، فراموش کرد، باز شده است، فریاد می‌زند، پیش آمد، جواب داد، ستم می‌کند.

۴) به جز نمونه‌های «بیاموزیم» این درس، نمونه‌های دیگری از «حشو» را در زبان فارسی امروز پیدا کنید.

املا

«بایدها» و «نبایدها»ی املائی (۲)

ب) نشانه‌های خطی

ملاحظات	مثال	بایدها و نبایدها	ردیف
گذاشتن تشدید در کلماتی که تشدید میانی دارند، لازم است.	آره (اره)، نقاش (نقاشس)، اهمیت (اهمیتت، اهمیت)		
گذاشتن تشدید برای کلماتی که «تشدید پایانی» دارند، لازم است؛ به شرط اینکه پس از حرف مشدد یک مصوت بیاید.	اوسد ساخت (اوسد ساخت)، سد کرج (سد کرج)، بر حتم، بر حتمی، بر حتم است، بر حتمیم، بر حتمند، بر حتمند (بر حتم، بر حتمی، بر حتم است، بر حتمیم، بر حتمند، بر حتمند)	تشدید	۱
بر روی کلماتی که مشدد نیستند، نباید تشدید گذاشته شود.	تقویت (تقویتت)، قضات (قضات)، شفقت (شفقتت)، تربیت (تربیتت)		
تشدید باید درست روی حرف مشدد قرار گیرد.	سنگی (سنگی)، اتفاق (اتفاق)، عبد المطلب (عبد المطلب)		

ردیف	بایدها و نبایدها	مثال	ملاحظات
۲	تنوین	مثلاً سنگ ، مثلاً معمولاً ، تدریجاً تدریجاً	کلماتی که در فارسی دارای تنوین هستند، نقش قیدی دارند. رعایت این تنوین در املا و دست نوشته الزامی است.
		مقسوم علیه، مضاف الیه، معظمه، بعبارة آخری	تنوین‌های و- کمتر به کار می‌روند و تنها در جملات و قالب‌های عربی رایج در فارسی دیده می‌شوند.
۳	مد	گلاب گلاب ، پشیماد پشیماد ، همایش همایش ، گرمابه گرمابه ، بسامه بسامه ، دلارام دلارام	باید این دسته کلمات و کلمه‌های مشابه آنها را شناخت و از گذاشتن نشانه «مد» بر روی آنها پرهیز کرد.
		درآمد درآمد ، دردآور دردآور ، خوش آواز خوش آواز	این کلمات و مشابه آنها را نیز باید شناخت و بر کاربرد نشانه «مد» در آنها تأکید کرد.
		من آدم من آدم ، منابع و مأخذ منابع ، الآن الآن ، مال اندیش مال اندیش ، قرآن قرآن	قید نکردن نشانه «مد» ابهاماتی را در نوشته ایجاد می‌کند.
۴	فاصله	بر روز <u>نام</u> ای <u>رامی</u> خواند بر روز <u>نام</u> ای <u>رامی</u> خواند <u>باد</u> آورده است / <u>باد</u> آورده است	رعایت نکردن فاصله مناسب بین حرف‌های یک کلمه یا کلمات یک جمله، در خواندن آنها اشکال ایجاد می‌کند.

ردیف	بایدها و نبایدها	مثال	ملاحظات
۵	فصل و وصل	کتاب را (کتاب) ، جناب عالی (جناب عالی) ، بانک ملی (بانک ملی) گرامی باد (گرامی باد) ، مبارک باد (مبارک باد) حق تعالی (حق تعالی) ، ان شاء الله (انشاء الله)	این گونه کلمات نباید متصل نوشته شوند.
		کتابش (کتابش) شبان شبان	این گونه کلمات باید متصل نوشته شوند. (در درس های آینده درباره وصل و فصل کلمات، بیشتر توضیح خواهیم داد).

چند نکته : اکنون با دقت در جدول بالا، چند نکته را توضیح می دهیم :

۱) نشانه تشدید مخصوص کلمات عربی رایج در فارسی است. هر چند تعداد محدودی از کلمات فارسی نیز، مانند پله، درّه، یکه و ... تشدید می گیرند. در درس املا، نشانه تشدید متناسب با تلفظ رسمی و معیار، در همه جا باید رعایت شود.

۲) در خط فارسی نشانه تنوین در شکل (نصب) بیش از دو شکل دیگر، (رفع و جر) رایج است. تنوین نصب همیشه باید با کرسی الف همراه باشد؛ بنابراین، باید بنویسیم :

مثلاً، نسبتاً، ندرتاً (به جای : مثل، نسبتاً، ندرتاً).

۳) در کلماتی مانند «آدم»، «مآخذ»، «الآن» و ... نشانه مد باید بالای حرف الف نوشته شود. در املا این قبیل کلمات، معمولاً همه دانش آموزان «نشانه مد» را درست به کار می برند اما در مورد کلمات مرکبی که جزء دوم آنها با «آ» شروع می شود، دقت و توجه بیشتری لازم است. کلماتی مانند : خوش آواز، سرآمد، نوش آفرین، و ... نشانه مد دارند اما کلماتی مانند دستاورد، پیشاهنگ، همایش، مرداب، سردابه و ... به نشانه

مد نیاز ندارند.

پس، اگر جزء دوم یک کلمه مرکب با مصوّت بلند آغاز شود (نه با همزة قبل از آن)، نشانه مد به کار نمی‌رود؛ ضمناً در کلمات مرکب طولانی، نشانه مد غلبه دارد؛ مانند:

محبت آمیز، تعجب آور، بخت آزمایی و

۴) در نمونه‌هایی مانند: دانای راز، بوی گل و نامه دوست، حرف «ی = y» به کار رفته است. این حرف صامت که بین دو مصوّت آمده «ی» میانجی بزرگ نامیده شده است.

دانای راز = دانایِ - راز و

در ترکیب «نامه دوست» به علامت «ء» که روی حرف «ه» قرار گرفته است، «ی» میانجی کوچک می‌گویند و نباید آن را با حرف همزه اشتباه گرفت.

فَعَالِيَّت

علاوه بر ی میانجی چند حرف میانجی دیگر را شناسایی و درباره آنها گفت و گو کنید.

۵) همان‌طور که متصل کردن دو حرف نشانه اتصال است (مانند حرف ب در کلمه با)، فاصله کوتاه بین دو حرف هم نشانه اتصال است. چنان که در این کلمات می‌بینیم: روزنامه، یادداشت، هم منزل .

۶) رعایت فاصله بلند بین دو کلمه مستقل لازم است؛ بنابراین، کتاب را، جناب عالی، بانک ملی صحیح هستند و نباید بنویسیم: کتابرا، جنابعالی، بانک ملی. همچنین است در مثال‌های گرامی باد و مبارک باد که جزء دوم آنها فعل است.

یادآوری: نشانه‌های ــــــــُ نیز جزء نشانه‌های خطّ فارسی هستند. این نشانه‌ها در زنجیره خطّ فارسی قرار نگرفته‌اند و به کاربردن آنها رایج نیست و تنها در مواردی که نقش ابهام‌زدایی دارند، مورد استفاده قرار می‌گیرند.

فَعَالِيَت

از متن درس های ۷ تا درس ۱۲ کتاب های زبان و ادبیات فارسی (۲)

املا بنویسید.

گروه کلمات برای املاي شماره دو

مضرات و منافع - الزام و احتمال - غوک و قورباغه - مصاحب و ملازم - وصل و گسستگی - فضایل اخلاقی - نگهبان و محافظ - جزء صرفی - رابطه نحوی - سوابق و گذشته ها - حشو و زاید - بونه ذرت - متاع معرفت - دقت و ممارست - اصحاب کهف - ابهام و پیچیدگی - جملات تأثیرگذار - براعت استهلال - حُسن مطلع - جدابیت و گیرایی - مادرِ حَسَنین - حُسن ختام - کتاب «ن و القلم» - بحر در کوزه - پارادوکس و متناقض نما - عبارۀ أُخری - معظّمُله - عبدالمطلب - محتاط و مأل اندیش - مراقبت و مراقبه - مآخذ و منابع - ابهام زدایی هوشیارانه - ناقص و معیوب - تلخیص و اختصار - جعبه های مقوایی - دایرة المعارف فارسی - ارجاعات بعدی - آرایش صُوری - تاریخچه المپیک - صُور خیال.

مقبولیت و پذیرش - افراط و تفریط - تجارب السلف - سلاست و روانی - مُخل فصاحت - مضامین و مفاهیم - خندق طرابلس - گفتار بی شائبه - اعمی و بصیر - طبلة عطار - بیت معمور ادب - خواتیم و طیبیات - حظّ زیبایی شناختی - سمفونی های بتهوون - الفیة ابن مالک - کتاب نصاب الصّبیان - استنباط فقهی - شیوة غیر مرضیه - رذایل اخلاقی - قلع و نابودی - اغتنام فرصت - واثق و مطمئن - مدح و ذم - تفقد و دلجویی - مناعت طبع - بیت الغزل معرفت - مظهر اعتدال - آلام ورنج ها - مستحقّ کرامت - مظالم و دادخواهی - ضیاع و عقار - معزول و برکنار - امارت و فرمانروایی - انعکاس مظلومیت - واقعه هیجان انگیز - الغای بردگی - متواضع و فروتن - رأفت و

عطوفت - ضعفا و بیچارگان - حدّ نصاب - خشم و غیظ - مضیقه و تنگنا - عفريت و
اهريمن - ماه آزار - طعمه عقاب - قهقهه فشنگ‌ها - رطل گران - تجرد عنقا - بدنامی
حیات - تلطف و مهر - سفاهت و نادانی - لحن تعجب آمیز - اشباح و سایه‌ها - جرئت و
جسارت - نگاه تضرع آمیز - نقطه اتکا - نقاب حزن انگیز ظلمت - موحش و هراس انگیز -
بانگ ناقوس - هدیه تمام عیار - مکث و توقّف - مائده‌های زمینی - عهد عتیق - تعلل
و درنگ.

* * *

خودآزمایی

- ۱) املاي تشديد مياني با تشديد پاياني چه تفاوتی دارد؟ برای هر کدام سه نمونه مثال بزنید.
- ۲) کاربرد نشانه مد در خط فارسی با همین نشانه در خط عربی چه تفاوتی دارد؟